



سیر پیدایی و گسترش کودکان کدکستان ها (1320-1300 شمسی)

پیداآورده (ها) : فیروز، فیروزه

کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: گنجینه اسناد :: بهار و تابستان 1379 - شماره 37 و 38
از 68 تا 75

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/92275>

دانلود شده توسط : سارا سلطانی

تاریخ دانلود : 14/08/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

«سیر پیدایی و گسترش کودکانها»

(۱۳۲۰-۱۳۰۰ شمسی)

فیروزه فیروز

تأسیس کودکان دیگری اقدام کرد. تا این تاریخ به رغم فعالیت چند کودکان در کشور، هنوز کودکان در جامعه ایران و نظام آموزش کشور جایگاهی درخور توجه نداشت. و نظر مربیان کارآمد و اندیشمندان، فنون تربیتی به کار گرفته شده در کودکانها، چندان با ارزش تلقی نمی شد. حتی گروهی این تعلیمات را بی ارزش، زائد و پرچ می دانستند و تحت چنین داوری هایی والدین کودکان نیز مایل به بهره گیری اطفال از این شیوه تربیتی نبودند. بخشی از دلایل مخالفت ها با کودکان در ایران به برنامه های آن مرتبط بود. بر اساس برنامه، کودکان در کودکان ضمن تعلیم و تحصیل می بایست با دنیای حیوانات و طبیعت آشناسی شدند و بطور مثال صدای آنان را تقلید می کردند که اولیا، این قبیل رفتارها را خلاف اخلاق و آداب دانسته و شنیدن داستان های کودکانه درباره حیوانات را به جایی آنچه که در مکتب خانه ها تدریس می شد، نمی پسندیدند. و راضی به تعلیم اطفال دختر و پسر - چهار و پنج ساله - در یک کلاس نبودند (۷). این طرز تلقی آموزش های نوین علاوه بر آن که مانعی در امر گسترش کودکانها به شمار می آمد، سدی در راه جمع آوری و تدوین فرهنگ کودکانه بود.

روش نامنویسی در نخستین کودکانها نیز جای تعمق داشت. معمولاً کودکانها به هنگام نامنویسی پرسشنامه ای را حاوی پرسش هایی درباره اخلاق، روحیات، عادات، خلق و خوی، شغل و وضعیت سلامت نزدیکان کودکان توسط والدین کودکی تکمیل می شد که مبنای شناسایی اطفال و نحوه رفتار با آنان در کودکانها بود (۸). این پرسشنامه ها در رابطه بایه کارگیری اصول صحیح روانشناسی کودک و تربیت مآخذ مهمی برای مربیان کارآمد است و از نقاط قوت کار کودکانها محسوب می شود.

به رغم مشکلات، به مرور بر تعداد کودکانها افزوده شد. کودکان دارالانجام شاپور در ۲۱ بهمن ۱۳۰۵ برای سرپرستی و تربیت ۱۰۰ نفر از اطفال یتیم به دستور رضاشاه تأسیس و برای تأمین مخارج

یکی از رویدادهای مهم اجتماعی بعد از سالهای دهه ۱۳۰۰ ش. که از درآمدت. بنیاد شیوه های آموزشی جامعه را دگرگون کرد، توجه به آموزش کودکان و در نتیجه، تأسیس کودکانها بود. بنیاد کودکانها در ایران راهی نوین به نوعی آغاز دگرگونی اجتماعی و تغییر هنجارهای فرهنگی جامعه ای تلقی کرد که سال های سخت بعد از جنگ جهانی اول را پشت سر گذاشته بود. این دوره از تاریخ، به دلیل دگرگونی های بنیادی سازمان آموزشی کشور و آغاز آموزش و پرورش منسجم و منظم، منطبق با روش های نوین آموزشی در تاریخ اجتماعی ایران از اهمیت بسیاری برخوردار است. هر چند به طور یقین نمی توان درباره تاریخ تأسیس نخستین کودکانها در ایران سخن گفت، اما با توجه به منابع موجود گویا اولین مکان تربیتی کودکانها به سال ۱۲۸۸ ش. در زمان جنرالارت امین الدوله از سوی میرزا کوثریم خان سوادکوهی تأسیس شد (۱). این مرکز تحت عنوان دارالانجام، گروهی از اطفال یتیم را به طور شبانه روزی زیر پوشش تربیتی خود قرار داد (۲).

در سال ۱۳۰۲ کودکانها دیگری به نام مؤذنب الملک (۳) از پیش از آن در سال ۱۳۰۳ ش. باغچه اطفال در شهر تبریز آغاز به کار کرد. این کودکانها را جبار باغچه بان با کمک «فیوضات»، رئیس فرهنگ وقت تبریز و با استفاده از اعانه دولت تأسیس کرد (۴). یکی از دشواری های کودکانها اولیه این بود که هیچگونه وسایل تربیتی و کمک آموزشی مانند اسباب بازی، نمایشنامه ویژه کودکان، سرود و شعر برای اطفال و قصه های متناسب با اهداف جدید آموزشی در اختیار نداشتند. در باغچه اطفال، باغچه بان با ابتکار خود و بازدید از کودکانها مختلط از امته مادام خانزادیان در تبریز (۵) برخی وسایل آموزشی را طراحی و تهیه کرد که در آموزش و سرگرمی کودکان به کار گرفته می شد. اما با قطع اعانه دولتی که پیش از این به باغچه اطفال پرداخت می شد، این کودکانها ناگزیر شد در سال ۱۳۰۶ به کار خود خاتمه دهد (۶). پس از آن در ۱۳۰۷ باغچه بان به

آن از دارایی عزیزخان خواجه که بموجب وصیت در اختیار دولت قرار داشت مبلغی تعیین شد (۹). اما این افزایش در مقایسه با روند رشد تعداد کودکان مدارس کشور های دیگر بسیار اندک بود. به عنوان نمونه بنا بر آن چه که در مجله تعلیم و تربیت آمده است:

در سال ۱۳۰۵ شمسی در ایتالیا، ۵۹۰۲ کودکستان فعال بود که در آنها ۱۲۴۰۷۷ بومی از ۱۹۵۶۹۵ شاگرد پس و ۴۰۰۵۳۷ شاگرد دختر نگهداری می کردند (۱۰). مقایسه تعداد اندکی کودکان هائی ایران با آغاز کودکان در ایتالیا به خوبی علت نامدگی ایران را در این بخش نشان می دهد. این عقب ماندگی تنها در بخش کودکان ها نبود و در بخش آموزش های رسمی مدارس نیز، مدرسه های ایران فاقد هر گونه وسایل کمک آموزشی جدید بودند و حتی تخته سیاه نیز به تازگی در فعالیتهای آموزشی مطرح شده بود (۱۱).

با آگاهی از این عقب ماندگی، کاستی ها و کمبودها، اداره فرهنگ وقت سعی در بهبود اوضاع از طریق کنترل و نظارت داشت. در دی ماه ۱۳۰۷ فرم هایی از طریق اداره تفتیش کل ادارات به تفتیش ابالتی ارسال شد که هدف آن گنبد اطلاعاتی درباره تعداد مدارس بچه گانه موجود باشاگردان رایگان، تعداد شاگردانی که شهریه می پردازند و مدارس که از دولت نمونه شاگردان تواما در آن به تحصیل مشغولند، تعداد کلاس ها، هیات معلمان و کارکنان مدارس، مذهبی بودن آنها بود (۱۲).

احصائیه دیگری که تاریخ دی ماه ۱۳۰۷ را دارد، از جمله مواردی که مربوط به مدارس بچگانه می شود درباره آماره منازلی که در داخل و خارج کودکان برای معلمان ساخته شده و تعداد باغچه های مربوط به معلمان که برای استفاده در امر تعلیم تحت اختیار آنان قرار گرفته پرسش شده است (۱۳). این احصائیه توجه اداره فرهنگ را به اهمیت معلمان نشان می دهد.

پرسشنامه دیگر که محل مدارس بچگانه نواحی را که ضمیمه مدارس ابتدایی ساخته شده و کودکان های جدا از مدارس ابتدایی را مورد بحث قرار می دهد و درباره پذیرش این مدارس از سوی ناحیه، دریافت کمک هزینه بابت اجاره، و مدرسی که با بودجه شخصی به فعالیت ادامه می دهند، مدرسی که در حال حاضر مورد استفاده قرار ندارند و تعداد ساختمان هایی که در اختیار انجمن ناحیه نیست ولی در حال حاضر به صورت مدرسه مورد استفاده قرار می گیرد، پرسش هایی را مطرح می کند (۱۴).

محتوای این سند نشان می دهد که تعدادی از کودکان های فعال بدون مجوز تأسیس می شدند و مورد تأیید نواحی آموزشی نبودند. در پاسخ به یکی از فرم های فوق، به تاریخ ۱۴ اسفند ۱۳۰۷ از سوی تفتیش سراسر به مقام ریاست تفتیش کل ارسال شده است، حاکی از آن است که طبق مقررات تجاری انجمن های نواحی موظف بودند مکان های مناسبی برای مدارس خود تهیه کنند و در این راه دولت نیمی از مخارج ساختمان مدارس را تأمین می کرده است. این کمک که در بودجه انجمن های پیش بینی می شد در دو مرحله ابتدای کار ساختمان و اتمام کار پرداخت می گردید. این سند همچنین حاکی از آن است که انجمن های نواحی موظف بودند در طرح ساختمان مدارس قسمتی را برای سکونت معلمان و کارکنان مدارس ابتدایی

و بچه گانه در نظر بگیرند. در غیر این صورت مبلغی به عنوان کمک هزینه مسکن به حقوق کارکنان افزوده می شد که میزان این کمک هزینه در شهر های مختلف متفاوت بود (۱۵).

طبق اسناد موجود بر حسن خلق و رفتار مربیان تأکید زیادی وجود داشت، لازم بود مربیان کودکان ها تأییدیه ای دال بر رضایت مدیر از نحوه کار و اخلاق خود به اداره معارف ارائه دهند (۱۶). به نظر می رسد که از این طریق نحوه کار و رفتار آنان کنترل می شد. این نظارت تنها درباره مربیان نبود و برنامه کار کودکان ها را نیز در بر می گرفت. کودکان معمولاً برنامه هایی را برای تقویت روحیه اجتماعی و اعتماد بنفس کودکان در برقراری ارتباط با دیگران به اجرا در می آوردند که از جمله اجرای نمایشنامه بود که متن نمایشنامه ها را از طریق اداره نگارش مورد بررسی قرار می گرفت. چنانکه طبق اسناد موجود در نمایش «شیر و پلنگ و کودک و سرباز» که از سوی کودکان «فازس» به اجرا درآمد، آیات و ترکیب الفاظ را مناسب سن کودکان تشخیص داده نشده است (۱۷). در تغییر متن نمایشنامه ها جهات مختلف تربیتی و تطابق نمایش با سن کودکان، و رعایت مسائل سیاسی و اجتماعی در نظر گرفته می شد. این دقت نظر برنامه های کودکان در همه جنبه ها، از اجرا تا اعلان را در بر می گرفت. برای مثال اعلان نمایش سالیانه کودکان «سرباز» در تهران به دلیل اینکه فاقد نموه ثبت در دفتر اداره فرهنگ بود، از سوی اداره تفتیش مورد پیگرد قرار گرفت (۱۸). و در متن یکی از همین اعلامیه ها که تاریخ و ساعت اجرا برنامه ها نیز اعلام شده است و از حضار خواسته اند که به علت پائین بودن سن اطفال (۳ تا ۷ سال) در ساعت معین در محل حضور یابند (۱۹). معمولاً چنین برنامه هایی در کودکان ها به صورت عمومی و سالیانه به اجرا در می آمد (۲۰).

بر اساس منابع بدست آمده، کودکان «سرباز» با ۶۰ نفر کودک اولین کودکان است که در مرداد ماه سال ۱۳۱۰ در تهران کار خود را آغاز کرد و مدیر آن نیز خانم «سرباز» همسپان بود (۲۱).

سندی در دست نیست که نشان دهد پیش از سال ۱۳۱۰ کودکان های برای تأسیس نیاز به مجوز داشتند یا خیر، ولی در سال ۱۳۱۰ کودکان های با است با مجوز تأسیس می شدند و یکی از شرایط صدور مجوز میزان تحصیلات مدیر کودکان بود، به طوری که اگر مدیری فاقد حداقل مدرک تحصیلی ۶ ساله ابتدایی بود از فعالیت کودکان ممانعت بعمل می آمد. طی نامه تاریخ دوم، اسفند ماه ۱۳۱۰ معارف و اوقاف یزد، با تقاضای یلغیس خانم مشکیان که به دلیل دارا نبودن تصدیقنامه ۶ ساله ابتدایی مخالفت شد و از تأسیس کودکان توسط وی ممانعت به عمل آمد (۲۲).

درباره میزان حقوق دریافتی مربیان کودکان نیز سند مستقیمی در دست نیست ولی در مکاتبات وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه به نامه ای برمی خوریم که نشان می دهد در تاریخ ۱۳۱۲/۷/۸ به مدیریت اماد موزال پرهیس کونیان «در کودکان دولتی» خانم داده شده است (۲۳). که وی طی نامه ای، از رضاخان برداشت حقوق ۳ ماه معوقه خود را به قوام ماهی ۶۰ تومان و بازگشت خود به کار را

* سند نمونه در انتهای مقاله آورده شده است.

درخواست کرده است (۲۴). در پاسخ به مراسم خاتم کویان وزارت معارف و اوقاف طی نامه ای ضمن صدور دستور تادیه حقوق عمومی، عدم وجود شغل مناسب با تخصص مشارالیه و عدم امکان بازگشت به کار ایشان را اعلام کرده است (۲۵).

با وجود گذشت بیش از یک دهه از کار کودکان در ایران، هنوز به اشکال مختلف با کار آن مخالفت می شد و از طریق تخریب اذهان والدین از رفتن کودکان به کودکان جلوگیری بعمل می آمد. چنانکه در تاریخ ۱۳۱۲/۴/۶ اداره معارف رشت اعلام می کند که اطفال از بدو طفولیت تا سه سالگی به سنی که برای شروع به تحصیل مقرر شده است باید در کنار مادران پرورش یابند و صلاح به رفتن کودکان به کودکان نمی باشد (۲۶) به همین دلیل نیر مانع تأسیس کودکان در آن شهر می شود. هیأت نمایندگان ارومیه رشت طی نامه ای در تاریخ ۱۳۱۲/۵/۱۶ به وزیر معارف نسبت به عملکرد اداره معارف اعتراض کرده و طی آن می نویسند: کودکان مومنه ای است که در تمام دنیا موجود و اختصاص به رشت ندارد ضمناً مادران از اطلاعاتی علمی صحیح کافی برخوردار نبوده و با مشغله امور خانه قادر به صرف وقت لازم برای تربیت اطفال نیستند. در کودکان کودک ادب و علاقه به وطن را می آموزد. نویسندگان نامه در پایان با معرفی کودکان «ملت» ارومیه رشت به عنوان نمونه، که طی حدود ۲۲ سال با پیروی از اصول علمی بخوبی از عهده نگهداری و مسائل تربیتی کودکان تحت پوشش خود برآمده است، خواستار اجازه افتتاح کودکان های جدید شدند (۲۷).

با گذشت بیش از ۱۰ سال از تشکیل اولین کودکان در ایران در تاریخ شانزدهم آبان سال ۱۳۱۲ «نظامنامه و پرگرام کودکان» در دو قسمت و پنجاهمین جلسه شورای عالی معارف به تصویب رسید این نظامنامه شامل ۳۶ قسمت و ۸ ماده پروگرام بود که در قسمت اول ویژگی های «بنای کودکان» و محل تعریف و بازی توصیف شده و در قسمت دوم «مقررات کودکان» از نظر سن اطفال بین ۷ تا ۱۲ سال، نسبت تعداد اطفال (۲۵ نفر) به معلمان، ساعت کار ۳ تا ۵ ساعت آمده است. قسمت سوم به «وظایف مدیره» کودکان اختصاص دارد که مراقبت و تهیه لوازم بهداشت فردی اطفال، رساندن اطفال مریض به اولیا، ممنوعیت تنبیه جز در قالب محروم کردن از شرکت در بازی های عمومی از جمله مواد این بخش می باشد.

در قسمت چهارم «شرایط ورود به کودکان» تشریح شده است که داشتن «تصدیق صحت مزاج از اطباء معتد و مشهور» و «تصدیق نلفیح آبله» از جمله این شرایط است.

قسمت پنجم نظامنامه به شرایط مدیره می پردازد و دارا بودن حداقل ۲۵ سال و حداکثر ۵۰ سال سن، ارائه «تصدیق عدم ارتکاب جنحه و جتایت و سوء سابقه»، داشتن تبعیت ایران و عدم اشتغال به فساد، «مشهور به حسن خلق و سلوک»، داشتن «تبیلم تخصصی از یکی کودکان های خارجه با تصدیقنامه دوره کامل متوسطه» از جمله شروط ضروری برای مدیره کودکان ها به شمار می آید.

قسمت ششم به بحث درباره «پرگرام کودکان» اختصاص دارد و در ۸ ماده و یک تبصره، «بازی کم زحمت متناسب با سن اطفال»، حرکات مرتب و موزون ورزشی با آهنگ موسیقی، تعلیم

نقاشی، خواندن سرودهای وطنی، درسی های اخلاقی و گل گذاری را از جمله برنامه های کودکان اعلام می کند (۲۸). این پرگرام و نظامنامه چکیده کار و صورت مسائلی تلاش افراد در کودکان های مختلف است که به صورت منظم تدوین شده است.

از برخی اسناد موجود چنین استنباط می شود که ظاهراً بنحیثی از هزینه های کودکان ها از طریق اعانه دوائر دولتی تأمین می شد. چنانچه شهرداری شیراز در یازدهم اردیبهشت ۱۳۱۴ به کودکان «رضوان خاتم سازی» ماهیانه مبلغ پانصد ریال اعانه در مقابل پذیرش ۱۲ کودک معرفی شده از سوی شهرداری پرداخت کرده است (۲۹). گاه از این اعانه ها کودکان بی بضاعت نیز استفاده می کردند. والدین کودکان بی بضاعت نیز از طریق درخواست ثبت نام و ارائه استشهاد محلی تقاضای ثبت نام کودکان خود را در مراکز آموزش مجانی می کردند (۳۰).

پنج آبان ۱۳۱۴ از سوی اداره تعلیمات مرکز و امتحانات وزارت معارف به کلیه کودکان های دولتی دستورالعملی ارسال شد که طی آن بعد از ظهر روزهای پنجشنبه کودکان ها تعطیل و کلیه کارکنان اعم از مدیر و آموزگار با معرفی نامه مدیر در محل کانون بانوان برای استماع کنفرانس های معلمان کودکان ها حضور داشته باشند (۳۱).

این امر در پی سیاست راه یابی زنان به فعالیت های جامعه و قوت تشکلی های اجتماعی زنان و در نهایت به هدف عمده حکومت رضاخان و آماده سازی اذهان برای پذیرش مسأله حذف حجاب که تا سال ۱۳۱۶ دنبال می شد می انجامید.

یکی دیگر از اثرات این هدف به صورت مختلط سازی به کودکان ها در دبستان ها نیز کشیده شد. در استان مربوط به استان لرستان اسنادی مربوطه سال ۱۳۱۴ وجود دارد که از تشکیل کودکان مختلط (۳۲) و تبدیل دبستان ملی به کودکان مختلط حکایت می کند (۳۳). در رابطه با تشکیل کودکان ها مختلط درخواست اعانه از اداره معارف لرستان می شده (۳۴) اولین اعانه ها در صورت مواجهه با عدم اعتبار در سال جاری به سال آینده موکول می گردید (۳۵).

جالب آن که برای مختلط کردن دبستان ها و کودکان ها بنا بر فرماندهی تیب لرستان نیز مذاکره شده بود (۳۶). که نشانگر نگرش عموم جامعه و مخالفت آنان با مراکز آموزشی مختلط است.

از این تاریخ به بعد تأسیس کودکان های مختلط روز بروز بیشتر شد. در سندی مربوط به تأسیس کودکان مختلط نمره ۲ رضایه به مدیریت زهرا خانم حقیقی الشریعه، که تاریخ شانزدهم شهریور ۱۳۱۵ را دارد حقوق مریمان ماهیانه ۲۵۰ ریال تعیین شده است (۳۷). این حقوق تکاپوی امرار معاش مریمان را نمی داد و آنان خواستار افزایش حقوق خود بودند (۳۸). پس از تصویب نظامنامه و مشخص شدن جایگاه قانونی کودکان ها به عنوان پایه آموزش پیش از دبستان، اقدام برای تأسیس کودکان رو به افزایش گذاشت ولی فشارهای

۱. در تهران کودکان مانجه بیان (۳۸) و تأسیس کودکان پهلوی (۳۹) به دبستان ۱۵۰ ساله ۱۳۱۶ دایر گردید (۴۰).



مجاز آن وزارتخانه داشت، چنان چه در رابطه با دو نمایش «پسر تبیل» و «ارتش» که کودکان هارس تفضای اجرای آن را کرده بود، اداره فرهنگ کودکان راملزم به اجرای آن بدون فروش بلیط کرده (۴۶) و نام یکی از نمایشنامه‌ها را از ارتش به «سرباز» تغییر داده بود (۴۷). قابل ذکر است در برنامه‌های سالانه کودکانها غایباً فرزندان رضاشاه شرکت می‌کردند چنانچه در بیست و هفت اسفند ۱۳۱۷ در برنامه جشن کودکان بر سه در سالن کانون، بانوان اشرف پهلوی حضور داشته است (۴۸).

قریباً به بیست سال پس از آغاز به کار کودکانها در ایران، همان‌طور که در جدول زیر نشان داده شده است تعداد کودکانها در سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۱۹ با ۳۴ باب رسیده که از این تعداد ۴ کودکان دولتی و ۳۰ کودکان غیردولتی بودند. استان تهران با ۱۹ باب بیشترین کودکانها را به خود اختصاص داده و در استان مازندران نیز اصلاً کودکان دایر نشده است (۴۹).

مجموع کودکان ثبت شده در کودکانهای کشور ۱۸۶۴ نفر بود که ۸۸۸ نفر آنها دختر و ۹۷۶ نفر پسر بودند. بیشترین تعداد کودکان ثبت نام شده در کودکانها ۱۳۷۵ نفر و مربوط به استان تهران است. مقایسه تعداد دختران و پسران ثبت شده در کودکانها نشان میدهد که در مجموع تعداد پسران بیشتر از دختران است و تنها در استان فارس تعداد دختران بیش از پسران است (۵۰). تا سال تحصیلی ۱۳۲۰-۱۳۱۹ تعداد مریمان شامل در کودکانها به ۱۵۲ رسیده بود (۵۱).

آنچه از بررسی مجموعه این اسناد می‌توان استنباط کرد، کندی رشد تأسیس کودکانها در کشور است. از جمله عوامل این وضعیت می‌توان به بی‌اعتنایی و ناآگاهی عمومی، نبود قوانین روشن و شفاف، مخالفت برخی گروه‌های اجتماعی و کارشناسی آنان در روند

مخالفین برای سمانعت از کار کودکانها از طریق شایعه‌سازی یا حتی اعمالی که منجر به تعطیلی کودکانها می‌شد، همچنان ادامه داشت. شدت شایعه‌ها به گونه‌ای بود که در تاریخ سوم خرداد ۱۳۱۷ وزارت معارف و اوقاف ناچار شد

برای تکذیب خبر مفقود شدن اطفال خردسال بخشنامه‌ای صادر کند (۴۱).

به رغم مخالفت‌ها و با افزایش تعداد کودکانها کم‌کم کارمکنب‌خانه‌ها از رونق افتاد و مردم به سوی آموزش نوین گرایش پیدا کردند. از همین رو اغلب مکاتب سعی داشتند با تغییراتی تبدیل به کودکان و یا دبستان شوند که بدین منظور ناچار به کسب مجوز از اداره تعلیمات و دایره امتحانات وزارت معارف بودند (۴۲) و آن اداره نیز مجوز افتتاح کودکانها را تنها در صورت دارا بودن شرایط مندرج در نظامنامه صادر می‌کرد.

با تصویب نظامنامه و پروگرام نظارت بر نحوه کار، شرایط و برنامه‌های کودکانها شدت بیشتری یافت. بر اساس یکی از اسناد موجود ادامه کار کودکانها «حوهران شغفت» در اصفهان به دلیل عدم ارائه پروانه رسمی اداره فرهنگ جلوگیری به عمل آمد. مسوول اداره فرهنگ برای جلوگیری کار کودکانها از فرمانداری استمداد طلبید (۴۳) و فرمانداری اصفهان نیز طی نامه‌های محرمانه‌ای، از اداره شهرستانی تفضای مساعدت و همکاری با اداره فرهنگ را کرده است (۴۴) که در نهایت با پیگیری شهرستانی، از طریق سرکلانتر به مدیر و کودکانها شغفت اختیار داده شد که تا کسب پروانه رسمی از دایره بودن کودکانها خودداری کند (۴۵).

برنامه کار کودکانها نیز از سوی وزارت معارف به طور مستمر کنترل می‌شد و حتی اجرای نمایش در کودکانها هم نیاز به



وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، به تاریخ ۱۳۰۶/۸/۱۲، بی‌شماره (نظامنامه و پروگرام کودکان)

قسمت اول - بنای کودکان :
 ماده اول - کم‌دستان گذشته از داشتن وسعت کافی حیاط و باغچه، برای تفریح و تفریح اطفال باید دارای ساختمان به شرح زیر باشد:

۱- اتاق (منازلگی) ۲- اتاق لباس اطفال ۳- اتاق مدیر و معلمات ۴- اتاق نرهار خوری (۵۰) ۵- اتاق دستنویس ۶- اتاق ورزش ۷- به تعداد هر ۲۵ نفر مقبل یک ایوان

قسمت دوم مقررات کودکان :
 ماده اول - سن اطفالیکه به کودکان برده می‌شوند نباید کمتر از چهار و بیشتر از هفتسال تمام باشد (۱)

ماده دوم - برای هر بیست و پنج نفر طفل یک نفر مجامه لازم است.

ماده سوم - حداقل ساعات کلاس کودکان سه ساعت و حداکثر آن پنج ساعت خواهد بود.

ماده چهارم - از اولیاد اطفال به عنوان دادن نمایش یا تهیه آلتزیه و لوازم کار و امتثال آنها نباید هیچ وجه تقاضای معنه نمود قبول انواع تحف و هدایای نزیاد اطفال اکیدا ممنوع است.

قسمت سوم وظایف مدیره :
 ماده اول - مدیره کم‌دستان ملزم است که برای هر یک نفر طفل یک عدد حوله - مسابون - کلاه - پیش دامن - ظرف آبجویری - دستمالک سر - میز تهیه کند و مراقبت کامل به عمل آورد اطفال بعد از خواب مستقیماً به خود راستعمال نمایند.

ماده دوم - مدیره ملزم است در نظیف اطفالها و حسن عمارت و اشیاء مخصوصه متعلقه به طفل نهایت مراقبت را به عمل آورد.

ماده سوم - اگر در کودکان طفل را کسبت عارض می‌شود که عاده اعزام او نزد اولادش ضروری است مدیره ملزم است که در اسرع اوقات او را به دولتش برساند.

ماده چهارم - مدیره نباید اطفال را برای شرکت در بازیها و عملیاتی که فوق حدت آنها است حثت کند.

ماده پنجم - تهیه اطفال منحصر است از معروف کردن آنها از بازیهای عمومی.

ماده ششم - مدیره ملزم است تهیه وسائل تعلیمی و بازیهای کودکان باید بر طبق پروگرام مصوب کم‌دستان به اطفال امرجه شود به نحو اتم و کامل در کودکان حاضر داشته باشد.

قسمت چهارم شرایط ورود به کودکان :
 ماده اول - هر شخص بخواند طفل خود را به کودکان بسیار باید مدارا، دلیل را به تعاضی کتبی خود منظم کرده به مدیره مسئول تسلیم نماید.

الف - تصدیق صحت مزاج طفل از یکی از اطباء معتمدین و مشهورین

ب - موارد ذریقه هویت

ج - ورزقه معدنی یا نایح ایداع

قسمت پنجم شرایط مدیره :
 ماده اول - مدیره کودکان باید دارای شرایط ذیل باشد:

الف - سن مدیره نباید کمتر از ۲۵ و متجاوز از بیستسال باشد.

ب - معایره باید تصدیق عدم از نکاتی، جسمه و جنات و سوء سابقه از عدلیه و طبیه محل در

دست داشته باشد.

ب - مدیره باید تبعه ایران و مشهور به بساد اخلاقی و معتاد به استعمال افیون و انگن باشد.

د - مدیره باید به حسن خلق و سلوک مشهور باشد.

ه - مدیره باید دارای دیلم تخصصی از یکی از کودکانهای خارجی یا خدمت تصدیق نامه دوره اول متوسطه باشد و در صورت نداشتن مدرک کتبی ثابت کند که مدت شش سال یادشتر اجازه رسمی مدیره مدرسه ابتدایی یا متوسطه بوده است.

و - تصدیق لیکن مالی مدیره برای کودکان با وزارت معارف (اداره نقاشی خواهد بود)

ز - در صورتیکه مدیره کودکان از تعداد زیادی عده اطفال محتاج به معاون شود باید کسی را که دارای شرایط مندرجه در جزء الف و ج و د ارائه اول قسمت پنجم و صاحب تصدیق نامه دوره اول متوسطه باشد انتخاب کند.

ح - هر کس بخواند کودکان نامیوس کند در صورتیکه لیکن مالی در مورد تصدیق اداره تعینش وزارت معارف باشد باید با تعیین مدیره که واحد شرایط مندرجه در جزء الف و ج و د و اول قسمت پنجم باشد تقاضای صدور اجازه کند.

قسمت ششم پروگرام کودکان :

ماده اول - بازیهای کم‌زحمت مناسب باسن اطفال.

ماده دوم - حرکات مرتب و ورزش با آهنگ موسیقی.

ماده سوم - تعلیم و مشق جهت حفظ اشعار سهل و مختصر، تقریر حکایات ساده.

ماده چهارم - تعلیم نقاشی و رسم‌های کم‌زحمت.

ماده پنجم - خواندن سرودهای وطنی و ملی یا اجتماع

ماده ششم - درس اخلاق، خداپرستی، وطن پرستی، راست گوئی، محبت و احترام نسبت به والدین و اقرباء و مردم، رعایت نظم و ترتیب، وفاداری، صبر و قناعت، توخ دوستی، تعاون.

ماده هفتم - تمام اینها باید در ضمن قصص و حکایاتیکه مجامه آبیلا ساخته باشد بیان شود بطور اینکه باعث حسنگی دماغ و روح طفل گردد و مستقیماً بازدهت که بعضی نباید از اقل فهم طفل خارج باشد گاهی باید از زبان حیوانات گاهی از قوین نباتات زمان از طرف اطفال حرف زد در تمام دوره کودکان باید حکایات مختلفه غیر مشابه که مقوم موضع‌عات فوق باشد تکرار شود و گاهی شاگرد را به نقل یکی از حکایاتیکه شنیده است وادار کرد فهم او را توسعه گفتگوهای مختصر پرورش داد و سنوالات بسیار مختصر و ساده را جمع کرده‌ای که شنیده خود گفته است بدون آنکه موجب حسنگی دماغ اطفال شود و او را گرا

ماده هشتم - ساختن حروف مفرد و ترکیب آنها، و کلمات کوچک و بزرگ و مخدع‌های مخرجه معنوی

ماده نهم - گل قوری - یا آنچه بدنی‌های کوچک و امثال آنها

پروگرام و نظام نامه فوق دارای هشت ماده است در دو قسمت و با هم‌امین جلسه شورای عالی معارف مورخه ۱۳۰۶/۸/۱۲ تصویب گردید.

مصادیق اصل است.

(تاریخ آت ۱۳۰۶-۱۳۰۷)

از اطلاع‌رسانی خوری است.

لا بد از همین سد باشد است.

